جامعه شناسان معتقدند باید اعتراض مدنی را از رفتارهای مخرب تفکیک کرد

چگونه به اعتراضات پاسخ عقلانی بدهیم؟

گزارش

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

همبستگی اجتماعی از بنیادی‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی است و نقش حیاتی در پایداری، انسجام و پیشرفت هر جامعه دارد. منظور از همبستگی اجتماعی، احساس تعلق، اعتماد و همکاری میان اعضای جامعه است که باعث می‌شود افراد در مسیر اهداف مشترک حرکت کنند. بدون همبستگی اجتماعی، هیچ جامعه‌ای قادر به بقا و پیشرفت پایدار نیست. اما این مفهوم پایه‌ای برای نظم، عدالت، توسعه، و حتی هویت ملی را چگونه می‌توانیم در جامعه ایجاد کنیم یا آن را ارتقا دهیم.

اگر افراد جامعه احساس تعلق به یکدیگر نداشته باشند، جامعه به سمت بی‌نظمی و تعارض حرکت می‌کند. همبستگی اجتماعی مانند چسبی عمل می‌کند که گروه‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهد و از گسست اجتماعی جلوگیری می‌کند. در حقیقت فرهنگ گفت‌وگو و مدارا، مردم را تشویق به شنیدن دیدگاه‌های مخالف می‌کند و با کمک رسانه‌ها می‌توانیم فضای گفت‌وگوی سازنده را در کشور ایجاد کنیم تا اختلافات به حداقل برسد. البته وجود سازمان‌های مردم نهاد و نهادهای مدنی هم می‌تواند مسیری برای ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل هموار کند. محققان علوم اجتماعی معتقدند ارزش‌های مشترک در افزایش همبستگی در جامعه نقشی اساسی دارند، بنابراین باید این ارزش‌های مشترک جامعه را شناخت و بر ترویج این ارزش‌ها تأکید کرد. در شرایط کنونی که جامعه ایران با انباشت مسائل اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست، ضرورت حفظ همبستگی اجتماعی بیش از هر زمان دیگری به‌عنوان یک سرمایه حیاتی و غیرقابل جایگزین احساس می‌شود. دکتر مصطفی آب‌روشن جامعه‌شناس و استاد دانشگاه با بیان این مطالب به «ایران» می‌گوید: «همبستگی اجتماعی نه یک مفهوم انتزاعی یا صرفاً اخلاقی، بلکه سازوکاری واقعی برای کاهش تنش‌ها، افزایش تاب‌آوری جامعه، و جلوگیری از تعمیق شکاف‌های میان مردم و دولت است. چون تجربه تاریخی و تحلیل‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد جوامعی که در مواجهه با بحران‌ها دچار فروپاشی اعتماد و همبستگی می‌شوند، حتی با وجود برخورداری از منابع مادی، توان مدیریت بحران و بازسازی خود را از دست می‌دهند، در حالی که جوامع برخوردار از سرمایه اجتماعی بالا می‌توانند فشارها را با هزینه کمتر و عقلانیت بیشتر پشت سر بگذارند.»

> در جامعه‌ای که همبستگی وجود دارد، مردم بیشتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند، مسئولیت‌پذیرتر هستند و برای حل مشکلات جمعی با هم همکاری می‌کنند. این موضوع در بحران‌هایی مانند زلزله یا بیماری‌های فراگیر، ارزش حیاتی دارد

لزوم همبستگی اجتماعی در مسیر توسعه پایدار

اعتماد و همیاری اجتماعی باعث افزایش عدالت اجتماعی می‌شود. در جامعه‌ای که اعضا نسبت به سرنوشت یکدیگر بی‌تفاوت نیستند، فقر، تبعیض و بی‌عدالتی کاهش می‌یابد. همچنین همبستگی سبب ایجاد همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و علمی می‌شود. در جوامعی که مردم در آنها متحدتر هستند، در مسیر توسعه پایدار، کارآفرینی و نوآوری موفق‌تر عمل می‌کنند. او می‌گوید: «از سوی دیگر، نادیده‌گرفتن یا به تعویق انداختن پاسخ به مطالبات مشروع مردم، نه‌تنها مسأله را حل نمی‌کند، بلکه آن را به سطحی عمیق‌تر و پیچیده‌تر منتقل می‌کند که در آن، ناامیدی، بی‌تفاوتی یا رادیکالیسم اجتماعی جای گفت‌وگوی عقلانی را می‌گیرد و این دقیقاً نقطه‌ای است که همبستگی اجتماعی آسیب می‌بیند و جامعه به‌تدریج به گروه‌های پراکنده با منافع، زبان و افق‌های متفاوت تقسیم می‌شود.» به‌نظر این جامعه‌شناس در مقابل، زمانی که مردم احساس کنند مسئولان با آنها صادقانه سخن می‌گویند، مشکلات را انکار نمی‌کنند، مسئولیت‌شان را می‌پذیرند و برای اصلاح امور برنامه دارند حتی اگر این برنامه‌ها زمان‌بر و تدریجی باشد سطح تحمل اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و جامعه آمادگی بیشتری برای مشارکت، صبوری و همکاری از خود نشان می‌دهد. آب‌روشن با بیان اینکه عقلانیت در تصمیم‌گیری بویژه در شرایط فعلی، به معنای اولویت‌دادن به گفت‌وگو بر تقابل، به رسمیت شناختن تنوع دیدگاه‌ها و تفکیک میان نقد، اعتراض و تخریب است، می‌گوید: «بسیاری از مطالبات مردم نه از سر دشمنی، بلکه از دغدغه نسبت به آینده کشور، معیشت، عدالت و کرامت انسانی شکل می‌گیرد و نادیده‌گرفتن این واقعیت، هزینه‌های اجتماعی و سیاسی سنگینی به همراه دارد.»

در جامعه‌ای که همبستگی وجود دارد، مردم بیشتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند، مسئولیت‌پذیرترند و برای حل مشکلات جمعی با هم همکاری می‌کنند. این موضوع در بحران‌هایی مانند زلزله یا بیماری‌های فراگیر، ارزش حیاتی دارد. همبستگی اجتماعی موجب شکل‌گیری ارزش‌های مشترک، تقویت وجدان جمعی و ترویج رفتارهای اخلاقی در میان افراد می‌شود. وقتی افراد خود را بخشی از یک کل می‌دانند، رفتارشان براساس خیر عمومی تنظیم می‌شود. این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه همبستگی اجتماعی همچنین نیازمند پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های ساده‌انگارانه است که جامعه را به «ما» و «آنها» تقسیم می‌کند، توضیح می‌دهد: «چنین رویکردی نه‌تنها واقعیت پیچیده جامعه را تحریف می‌کند، بلکه امکان اجماع ملی بر سر راه‌حل‌ها را از بین می‌برد و فضا را برای سوءاستفاده بحران‌سازان فراهم می‌کند.»

با این اوصاف بجز مسئولان چه گروه‌هایی در ارتقای همبستگی اجتماعی نقشی اساسی دارند؟ آب‌روشن در این مورد به نقش رسانه‌ها و نخبگان اشاره می‌کند و می‌گوید: «رسانه‌ها، نخبگان و مسئولان هر یک نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، اما نقش مسئولان به‌واسطه قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، حساس‌تر و تعیین‌کننده‌تر است و از آنها انتظار می‌رود به جای واکنش‌های کوتاه‌مدت، به ترمیم اعتماد عمومی، اصلاح رویه‌های ناکارآمد و بازتعریف رابطه دولت و جامعه بر پایه احترام متقابل و پاسخگویی پایبند باشند.» این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: «در نهایت، حفظ همبستگی اجتماعی نه با شعار محقق می‌شود و نه با نادیده‌گرفتن واقعیت‌های تلخ، بلکه با پذیرش مسئولانه شرایط، گفت‌وگوی صادقانه با مردم، و تلاش مستمر برای پاسخ عقلانی، عادلانه و قابل لمس به مطالبات آنها امکان‌پذیر است، چرا که آینده ایران بیش از هر چیز به کیفیت این رابطه و میزان سرمایه اجتماعی باقی‌مانده وابسته است و هر تصمیم امروز می‌تواند یا به تقویت این سرمایه بینجامد یا به فرسایش آن، انتخابی که پیامدهایش نه کوتاه‌مدت، بلکه سرنوشت‌ساز و تاریخی خواهد بود.»

او توضیح می‌دهد: «در هر جامعه‌ای، نحوه مواجهه با اعتراضات اجتماعی معیاری مهم برای سنجش عقلانیت و بلوغ است، برخورد با معترضان، حتی اگر با نیت حفظ امنیت انجام شود، در عمل به تشدید تنش، گسترش بی‌اعتمادی و تضعیف سرمایه اجتماعی منجر می‌شود»

همبستگی اجتماعی باید پایدار باشد

برش

همبستگی اجتماعی زمانی از ارزش برخوردار می‌شود که پایدار باشد، موضوعی که این جامعه‌شناس هم به آن اشاره می‌کند و در مورد شرایط و معیارهای همبستگی اجتماعی پایدار می‌گوید: «همبستگی اجتماعی زمانی پایدار می‌ماند که احساس عدالت نسبی، شنیده‌شدن صداها، و امکان مشارکت مؤثر شهروندان در سرنوشت خود وجود داشته باشد و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که نقش مسئولان در پاسخگویی عقلانی به مطالبات مردم برجسته می‌شود. چون مطالبات اجتماعی، برخلاف برخی برداشت‌های سطحی، الزاماً نشانه بحران یا تهدید نیستند، بلکه اغلب بازتاب نیازهای انباشته‌شده، ناکارآمدی‌های ساختاری و خواست طبیعی جامعه برای بهبود کیفیت زندگی، کرامت انسانی و آینده‌ای قابل پیش‌بینی‌تر هستند.»

آب‌روشن توضیح می‌دهد: «پاسخ عقلانی به این مطالبات به‌معنای واکنش هیجانی، انکاری یا سیاسی نیست، بلکه مستلزم درک ریشه‌های مسأله، پذیرش وجود خطاها و کاستی‌ها، شفافیت در توضیح محدودیت‌ها و ارائه مسیرهای مشخص و قابل ارزیابی برای اصلاح است، زیرا جامعه امروز ایران، جامعه‌ای آگاه‌تر، مقایسه‌گر و حساس‌تر به تناقض میان گفتار و عمل است. هرگونه فاصله میان وعده‌ها و واقعیت‌ها به‌سرعت به فرسایش اعتماد عمومی منجر می‌شود.»

روایتی از مشارکت افراد نابینا و کم‌بینا در یک مجموعه تهیه غذا

روشن شدن اجاق امید از دل تاریکی

گزارش

مرجان قندی
گروه اجتماعی

بوی برنج دم‌کشیده و ادویه‌های جنوبی فضای آشپزخانه را پر کرده است. اینجا در نگاه اول شبیه همه کیترینگ‌های سطح شهر بندرعباس به‌نظر می‌رسد، اما این آشپزخانه فقط محل پخت‌وپز نیست، اینجا صحنه‌ای برای روایت اراده، استقلال و بازتعریف توانایی‌های انسان است. در این آشپزخانه، صداها جای تصویر را گرفته‌اند؛ صدای قل‌قل غذاهای قابلمه‌ها، برخورد آرام کفگیر با دیگ و گفت‌وگوهای کوتاه کارکنانی که جهان را با حس و شهود می‌شناسند. در این کیترینگ که به همت یک مؤسسه توانبخشی در استان هرمزگان شکل گرفته، تلاش می‌شود مسیر اشتغال افرادی با آسیب بینایی از حاشیه به متن آورده شود و ثابت شود که مهارت و شایستگی مرز نمی‌شناسد. اینجا هر سفارش غذا، فقط یک سفارش نیست؛ روایتی است از امید، خودباوری و بازگشت به چرخه کار و زندگی و یادآوری اینکه جامعه زمانی کامل‌تر می‌شود که همه اعضایش فرصت دیده‌شدن و نقش‌آفرینی داشته باشند.

حمید پورحسن، عضو هیأت مدیره انجمن نابینایان استان هرمزگان که از روشندلان است و از نزدیک با شرایط این قشر آشنایی دارد، می‌گوید: «متولد ۱۳۶۸ و اهل بندرعباس هستم. در خانواده‌ای با وضعیت مالی متوسط بزرگ شدم و پدرم مغازه‌دار بود. تا هفت‌سالگی فقط یکی از چشم‌هایم بینایی داشت، اما همان چشم را هم به دلیل نازک بودن شبکیه از دست دادم و از آن زمان نابینای مطلق شدم. تا کلاس دوم ابتدایی در مدرسه عادی درس می‌خواندم اما پس از نابینا شدن، دو سال از تحصیل دور ماندم و خانواده‌ام در این مدت پیگیر درمانم بودند. پس از این وقفه، وارد مدرسه و خوابگاه نابینایان بندرعباس شدم؛ مسیری که آغاز فعالیت‌هایم در حوزه نابینایان بود.»

پورحسن که اهل روستای ایسین در فاصله ۳۰ کیلومتری بندرعباس است، می‌گوید: «از همان سال‌ها در کنار تحصیل، در زمینه‌های ورزشی و هنری فعال بودم و فعالیت‌های هنری‌ام به‌تدریج گسترده‌تر شد. حالا هم مسئولیت یک مؤسسه فرهنگی ـ هنری فعال در حوزه نابینایان را برعهده دارم؛ مؤسسه‌ای که هدف اصلی آن توانمندسازی افراد با آسیب بینایی از طریق هنر و هنردرمانی است. این مجموعه ۲۲ نیروی پاره‌وقت در پایگاه‌های هنردرمانی استان دارد که ۱۸ نفر از آنها در مجموعه غذایی «استاله» که زیرمجموعه این مؤسسه است، مشغول به کار هستند.»

هفت هزار فرد کم‌بینا و نابینا در استان

این فعال روشندل به آمار نابینایان استان هرمزگان اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «بر اساس اطلاعاتی که از سازمان بهزیستی و کمیته امداد در دست است، مجموع افراد با آسیب بینایی در استان ـ شامل زن، مرد، کودک، جوان و سالمند ـ بیش از هفت هزار نفر برآورد می‌شود.»

او با اشاره به راه‌اندازی و پیشینه فعالیت‌های این مؤسسه برای افراد با آسیب بینایی در استان هرمزگان می‌گوید: «این مؤسسه از سال ۱۳۹۵ تأسیس شده است. پیش از ثبت رسمی مؤسسه، ما فعالیت‌های هنری را به‌طور پراکنده انجام می‌دادیم، اما تصمیم گرفتیم برای انسجام و گسترش کار، فعالیت‌هایمان را در قالب یک مجموعه رسمی ادامه دهیم. در حال حاضر در این مؤسسه فعالیت‌های متنوعی انجام می‌شود؛ از آموزش و توانمندسازی از طریق برنامه‌های فرهنگی ـ هنری مانند آموزش موسیقی و تئاتر و تشکیل گروه‌های هنری گرفته تا ایجاد پایگاه‌های هنردرمانی در روستاهای مختلف استان با همکاری سازمان‌های مرتبط.»

رئیس هیأت‌مدیره این مؤسسه توانبخشی در هرمزگان درباره وضعیت اشتغال این افراد می‌گوید: «اگر تعداد نابینایان استان را مبنا در نظر بگیریم، میزان اشتغال آنها در استان هنوز کم است، اما شرایط نسبت به گذشته رو به بهبود است. در سال‌های گذشته فرصت‌های شغلی برای نابینایان بسیار محدودتر بود و بیشتر آنها فقط می‌توانستند در بخش تلفن‌خانه مشغول شوند، اما امروز با تلاش خود افراد، مسیرهای تازه‌ای باز شده است. در حال حاضر نابینایان در مشاغل مختلفی ورود کرده‌اند؛ از جمله فعالیت در حوزه تدریس موسیقی و کار در بخش‌های آی‌تی شرکت‌ها و ادارات و... این تغییرات امیدبخش است، هرچند با توجه به جمعیت نابینایان استان، همچنان نیاز به فرصت‌های بیشتری وجود دارد.»

> مهم‌ترین دستاورد برای ما، ایجاد اعتمادبه‌نفس و خودباوری در میان روشندلان استان بوده است. اینکه جامعه به توانایی‌های این افراد تغییر کرده و آنها توانسته‌اند به استقلال مالی برسند

اشتغالزایی پایدار برای نابینایان

پورحسن درباره ایده راه‌اندازی کیترینگ باحضور نابینایان می‌گوید: «مؤسسه ما یک مجموعه فرهنگی ـ هنری است که فعالیت‌هایی مانند تشکیل گروه‌های تئاتر و موسیقی، آموزش این رشته‌ها، خدمات مددکاری و کمک‌های موردی به افراد نیازمند را انجام می‌دهد. ما برای اجرای هر کدام از این برنامه‌ها، حتی کوچک‌ترین کارها، ناچار بودیم از افراد و نهادهای مختلف درخواست کمک مالی داشته باشیم؛ برای مثال، اگر قرار بود یک گروه تئاتر را به جشنواره‌ای اعزام کنیم، باید از چند نهاد خواهش می‌کردیم تا هزینه‌ها تأمین شود. همین وابستگی دائمی به کمک‌های بیرونی ما را به فکر ایجاد یک فعالیت اقتصادی پایدار انداخت تا بتوانیم بدون اتکا به دیگران، برنامه‌های فرهنگی و حمایتی خود را ادامه بدهیم.»

او توضیح می‌دهد: «پس از طرح این ایده، با همکاری سامیه جهانشاهی، مدیرکل بهزیستی استان هرمزگان قطعه زمینی در مجاورت دفتر مؤسسه در اختیارمان قرار گرفت. با فراهم شدن این زمین، کار ساخت فضای کیترینگ آغاز شد تا مجموعه‌ای ایجاد شود که هم درآمدزا و هم اشتغال‌آفرین باشد.»

پورحسن درباره ترکیب نیروهای این کیترینگ می‌گوید: «این مجموعه در حال حاضر ۱۱ نفر نیرو دارد که ۶ نفر آنها زن و ۵ نفر مرد هستند. بخشی از کارکنان هم از میان اعضای خانواده افراد با آسیب بینایی انتخاب شده‌اند و بخش دیگر خودِ نابینایان و کم‌بینایان هستند که در این مجموعه مشغول به کار شده‌اند. از میان نیروهای کیترینگ، دو نفر به‌عنوان آشپز فعالیت می‌کنند که برای بالا بردن کیفیت کار، از آشپزهای باتجربه و صاحب‌نام استان هم کمک گرفته شده است. حضور این افراد حرفه‌ای در کنار نیروهای نابینا و کم‌بینا، به ارتقای سطح کار و آموزش بهتر کارکنان کمک کرده است.»

عکس: ایران

او درباره روند انتخاب و آموزش نیروها و آماده کردن این مجموعه برای شروع به کار می‌گوید: «برای جذب افراد، فراخوان داخلی بین اعضای مؤسسه خودمان منتشر کردیم؛ کسانی که می‌دانستیم توانایی انجام این کار را دارند. با آنها تماس گرفتیم، جلسه‌ای برگزار و توسط مدیران مجموعه و آشپزهای کیترینگ مصاحبه و گزینش انجام شد. بعد از انتخاب افراد، یک دوره آموزشی دو تا سه‌ماهه برایشان برگزار کردیم که مدت دوره برای برخی کمی متفاوت بود. در این مدت، علاوه بر آموزش، پخت‌وپز هم انجام می‌شد و غذاها بین اعضا تقسیم می‌شد تا کیفیت کار سنجیده شود. این دوره هم فرصتی برای تست تجهیزات و کیفیت بود و هم برای شناسایی ریزمسائل و رفع کم‌وکاستی‌ها.»

پورحسن به نوع فعالیت نیروهای دارای معلولیت در این کیترینگ اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «افراد دارای معلولیت عمدتاً در بخش آماده‌سازی مواد غذایی فعالیت می‌کنند؛ کارهایی مانند خرد کردن و تکه‌کردن مواد، تهیه انواع سالاد و انجام امور اولیه‌ای که برای پخت‌وپز لازم است. آنها در کنار آشپزها حضور دارند و هر وسیله، ادویه یا ماده غذایی که نیاز باشد را در اختیار آشپزها قرار می‌دهند. افراد کم‌بینا هم بیشتر در کنار آشپزها به‌عنوان کمک‌آشپز فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، گروهی از نیروها در بخش بسته‌بندی و سرو غذا مشغول به کار هستند.»

اعتمادبه‌نفس روشندلان؛ بهترین دستاورد کیترینگ

عضو هیأت مدیره انجمن نابینایان استان هرمزگان درباره اقدامات ایمنی در کیترینگ هم می‌گوید: «برای حفظ ایمنی، مجموعه‌ای از آموزش‌های لازم توسط آشپزهایی که تجربه بیشتری در این حوزه دارند، به کارکنان ارائه شد. از آنجا که داشتن کارت سلامت و کارت بهداشت برای فعالیت در آشپزخانه ضروری است، در روند دریافت این کارت‌ها هم دوره‌های آموزشی برگزار شد. همچنین برای ایمنی محیط کار، استفاده از کپسول‌های آتش‌نشانی، نصب جعبه‌های کمک‌های اولیه ویژه آشپزخانه و نصب پریزهای استاندارد مخصوص محیط‌های آشپزی انجام شده است.»

او درباره منوی این کیترینگ می‌گوید: «این مجموعه غذایی دو بخش اصلی دارد؛ بخشی شامل غذاهای ایرانی مرسوم که در اغلب کیترینگ‌ها و رستوران‌ها دیده می‌شود، مانند کوبیده، جوجه، قرمه‌سبزی، قیمه و زرشک‌پلو. بخش دیگر منو به غذاهای جنوبی و خلیجی اختصاص دارد؛ غذاهایی مانند گبولی مرغ و گوشت، دوپیازه میگو، خورشت کاری هندی، قلیه‌ماهی و ماهی سرخ‌شده که طرفداران خاص خود را دارد که از محبوب‌ترین انتخاب‌های مشتریان هستند.»

پورحسن درباره بازخورد مشتریان این مجموعه توضیح می‌دهد: «تا اینجا بازخوردها بسیار خوب بوده است. همه از کیفیت غذا و شیوه فعالیت مجموعه رضایت داشته‌اند. اجرای چنین مدلی از کار در یک مؤسسه نابینایان با استقبال زیادی روبه‌رو شد و خوشبختانه نتیجه کار تا این لحظه بسیار امیدوارکننده بوده است. مهم‌ترین دستاورد این کار، ایجاد اعتمادبه‌نفس و خودباوری در میان روشندلان استان بوده است. اینکه توانستند به استقلال مالی برسند، برایشان بسیار ارزشمند است و نگاه جامعه هم نسبت به توانایی‌های این افراد تغییر کرده و باز هم تغییر خواهد کرد. البته از نظر بعد مالی، هنوز برای قضاوت زود است؛ چون ما از ۱۱ آذرماه فعالیت رسمی‌مان را آغاز کرده‌ایم و الان فقط حدود یک ماه و چند روز از شروع کارمان می‌گذرد. باید مدتی بگذرد تا بتوانیم درباره نتایج اقتصادی طرح با دقت بیشتری صحبت کنیم.»

پورحسن معتقد است، افراد دارای معلولیت می‌توانند با همراهی دوستان یا اعضای خانواده شرایطی برای خود ایجاد کنند، کسب‌وکاری راه بیندازند و مسیری بسازند که حتی به اشتغالزایی برای دیگران هم منجر شود. او درباره اجرای طرح این کیترینگ می‌گوید: «این اقدام، مؤسسه را از نظر مالی و اقتصادی به خودکفایی رساند و به ما امکان داد، فعالیت‌هایمان را گسترش دهیم و به افراد بیشتری خدمات ارائه کنیم. با ایجاد چنین پشتوانه‌ای می‌توانیم بسیاری از افراد دارای آسیب بینایی را از گوشه‌نشینی، انزوا و خانه‌نشینی نجات دهیم و آنها را وارد چرخه فعالیت و مشارکت اجتماعی کنیم. همان‌طور که هر مؤسسه‌ای باید یک پشتوانه مالی و اقتصادی پایدار داشته باشد تا بتواند فعالیت‌هایش را ادامه دهد و وابستگی‌اش به دولت و دستگاه‌های اجرایی کمتر شود، ما هم با همین نگاه، اجرای این طرح را با جدیت دنبال می‌کنیم.»

او مهم‌ترین چالش در این مسیر را تأمین منابع مالی عنوان می‌کند و می‌گوید: «بخشی از هزینه‌ها از طریق پس‌انداز شخصی، بخشی با کمک‌های محدود مسئولان و بخش عمده آن با کمک و حمایت دوستان، خانواده و اطرافیان تأمین شد. با همین همراهی‌ها بود که توانستیم کار را شروع کنیم.»

حمایت باید جای ترحم را بگیرد

پورحسن درباره برنامه‌های آینده‌شان می‌گوید: «در مرحله اول قصد داریم در همین شعبه فعلی، نیروهای بیشتری جذب کنیم؛ بویژه برای بخش سفارش‌گیری مجازی و تلفنی تا روشندلان بیشتری بتوانند در این حوزه فعالیت داشته باشند. در خود آشپزخانه هم اگر حجم کار و تعداد سفارش‌ها افزایش پیدا کند، با این تعداد نیرو امکان ادامه کار وجود ندارد و حتماً باید نیروهای جدید اضافه کنیم. برنامه میان‌مدت ما هم این است که شعبه‌های جدید راه‌اندازی کنیم و فعالیت مجموعه را در نقاط مختلف شهر بندرعباس و استان هرمزگان گسترش دهیم. قطعاً با گسترش فعالیت‌ها، افراد با آسیب بینایی بیشتری در این مجموعه مشغول به کار خواهند شد و فرصت‌های شغلی زیادی برای افراد ایجاد می‌شود.»

او با تأکید بر اینکه باید به این افراد فرصت رشد و تجربه داده شود، می‌گوید: «هدف نهایی این است که به جامعه نابینایان، بویژه کودکانی که دارای معلولیت هستند، اعتماد شود و به آنها فرصت داده شود تا توانایی‌ها و استعدادهایشان را شکوفا کنند. خانواده‌ها باید از یاد دادن کار به این افراد حمایت کنند و نگویند چون معلولیت دارند باید در خانه بمانند و نباید کاری انجام دهند و باعث شوند آنها در انزوا قرار بگیرند.»

عضو هیأت مدیره انجمن نابینایان استان هرمزگان می‌گوید: «از مسئولان، خیرین و همه جامعه انتظار داریم به جای ترحم یا به اصطلاح «ماهی دادن به معلولان» شیوه ماهیگیری را برای آنها اجرا کنند؛ یعنی به آنها کاری را یاد بدهند یا با خرید محصولات‌شان از آنها حمایت کنند. مسئولان شرکت‌ها و ادارات می‌توانند با بستن قرارداد و تهیه غذا از این مجموعه، حمایت بزرگی کنند. علاوه بر قرارداد، می‌توانند این مجموعه را به دیگران معرفی کنند تا مجموعه به خودکفایی برسد. این اقدام، حمایتی ارزشمند برای جامعه نابینایان در استان خواهد بود.»